



ایران و عراق و میراث جنگ

Lawrence G Potter and Gary Sick (eds), *Iran/Iraq and the Legacies of War*, (NY: Palgrave Macmillan, 2004), pp. 229.

دکتر حیدرعلی بلوچی*

مقدمه

ایران و عراق، دو کشور بزرگ منطقه خلیج فارس هستند که نوع و سطح روابط آن دو از دوستی و اتحاد تا دشمنی و جنگ، علاوه بر خود آنها، بقیه کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. این مسئله از زمان ظهور کشور عراق در سال ۱۹۳۲ تا حال حاضر صدق می‌کند. در حالی که دوستی و عضویت دو کشور در اتحادیه‌های منطقه همچون پیمان سعدآباد و سنتو، برخاسته از مقتضیات منطقه‌ای و بین‌المللی بود، ریشه رقابت‌ها و درگیری میان آنها عمدتاً به موضوعات صرفاً دو جانبه، به خصوص مسایل ارضی و مرزی برمی‌گردد.

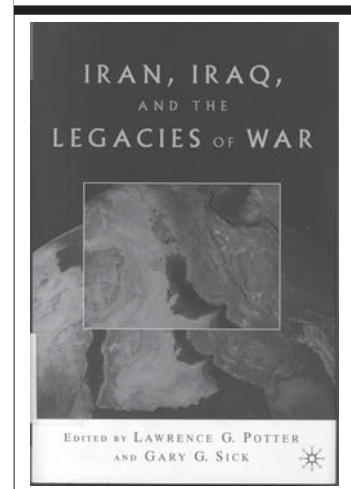
در هر صورت، با توجه به قدرت و وزنه منطقه‌ای دو کشور و عناصر متعدد قدرت آنها در زمینه‌های مختلف جغرافیا، جمعیت، اقتصاد و ایدئولوژی، طبیعی است که هرگونه تحول در روابط آن دو بر کل منطقه تأثیرگذار باشد. در این راستا، جنگ هشت ساله ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، به خصوص، حایز اهمیت فراوان است؛ زیرا حتی پس از گذشت قریب ۲۰ سال از پایان جنگ، مسایل حل نشده باقی مانده از جنگ، به عنوان میراثی مشکل‌ساز برای مردم دو کشور و کشورهای منطقه خودنمایی می‌کنند.

جنگ ایران و عراق، تا کنون توجه محققان و صاحب‌نظران مختلفی را از داخل دو کشور، منطقه و

*دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران و کارشناس ارشد وزارت امور خارجه

حتی خارج از منطقه به خود جلب کرده است. بر همین اساس نیز ادبیات متنوعی از دیدگاه‌های مختلف، تولید و منتشر شده است. در غیاب حداقل یک منبع دست اول تولیدشده توسط ایران که ریشه‌های جنگ، روند و آثار آن را به زبان انگلیسی روایت بکند، آثار مختلفی به زبان انگلیسی توسط محققین خارجی چاپ و منتشر شده است. کتاب حاضر، به عنوان یکی از آنها، با مقالاتی از محققین ایرانی، آثار جنگ ایران و عراق را بررسی می‌کند. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد حضور ایران در بررسی تاریخ جنگ به زبان انگلیسی، در حد نویسندگان مستقل و غیررسمی است و تا کنون هیچ مؤسسه و نهاد رسمی، کتابی به زبان انگلیسی که منعکس‌کننده قرائت دست اول و رسمی ایران از جنگ باشد، منتشر نکرده است. در چنین شرایطی، آثاری از نوع همین کتاب جای قرائت‌های رسمی را براساس سلاقت و دیدگاه خود پر می‌کنند. البته یکی از مزایای این کتاب آن است که از نویسندگان ایرانی، عراقی و خارجی استفاده کرده که به نوعی به ایجاد توازن در مباحث کتاب کمک می‌کند، ولی در هر صورت و به دلایل مختلف، با وضع مطلوب فاصله دارد.

کتاب «ایران و عراق و میراث جنگ»، مجموعه‌ای است متشکل از ۹ مقاله با سرویراستاری لارنس پاتر^(۱)، معاون مدیر پروژه خلیج (فارس) ۲۰۰۰ و استاد دانشگاه کلمبیا، که آثار متعددی در مورد ایران و عراق منتشر



کسره است، و گری سیک^(۱)، رئیس مؤسسه خاورمیانه دانشگاه کلمبیا، مدیر پروژه خلیج (فارس) ۲۰۰۰ و از مقامات سابق کاخ سفید که در چند دوره عضو شورای امنیت ملی آمریکا بوده و کتاب‌های متعددی در زمینه خلیج فارس منتشر کرده است، می‌باشد. هر دو

فرد یادشده از محققین شناخته شده مسایل خاورمیانه می‌باشند.

نویسندگان مقالات نیز عمدتاً از ناظران مستقیم تحولات منطقه خلیج فارس و خاورمیانه هستند که حتی برای مدتی در منطقه کار و یازندگی کرده‌اند و در نتیجه، می‌توان گفت مسایل منطقه‌ای را البته با بینش و جهان بینی خاص خود، مشاهده و تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

مباحث محتوایی

مطالعه کتاب این فهم را القا می‌کند که جنگ ایران و عراق تأثیر بسیار ژرفی بر خاورمیانه، به طور عام، و منطقه خلیج فارس، به طور خاص، بر جای گذاشته است؛ چرا که خسارات مالی و جانی آن تنها محدود به دو کشور ایران و عراق نبوده و سال‌ها بعد، سیر تحولات ناشی از این جنگ، به جنگ و درگیری‌های دیگری در کل منطقه کشیده شد. در واقع، عدم پیروزی صدام در جنگ علیه ایران، وی را به نوعی به تلاش برای کسب افتخار و پیروزی در مقابل کویت و سپس قدرت‌های فرامنطقه‌ای سوق داد؛ تلاش‌هایی شکست آمیز که نتایج مخرب آن برای همگان آشکار و روشن است و در نهایت، موجب افزایش بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی در منطقه شد و توجه بین‌المللی و به خصوص توجه قدرت‌های بزرگ به منطقه را تشدید کرد.

در این زمینه، نقش آمریکا بسیار بارز و چشمگیر است. پس از یک دوره خاص، ورود مستقیم و مجدد دولت آمریکا به این منطقه، با نصب پرچم این کشور بر فراز نفتکش‌های کویتی در سال ۱۹۸۷ آغاز شد. مداخله مزبور در همین حد باقی نماند و به اعزام بیش از ۵۰۰ هزار نیرو به خلیج فارس برای اخراج عراق از کویت و سپس درگیری‌های بعدی با عراق و مهار این کشور انجامید.

مجموعه تجزیه و تحلیل و نظریات ارائه شده در این کتاب را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد:

۱. نگاه تاریخی به ریشه‌های درگیری میان ایران و عراق؛
 ۲. میراث جنگ و تأثیر آن بر وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دو کشور؛
 ۳. آثار درازمدت و مسایلی که جنگ منطقه‌ای را در آینده با آنها روبرو خواهد ساخت.
- در قسمت اول، شائول بخاش^(۲)، استاد تاریخ دانشگاه جورج ماسون^۱ که سال‌ها به عنوان خبرنگار در ایران زندگی کرده است، نویسنده اولین فصل، با عنوان «روابط پرتنش ایران و عراق از ۱۹۸۰-۱۹۳۰»، معتقد است جنگ ایران و عراق، کشمکش در ادامه اختلافات دو کشور نبود، بلکه نوع جدیدی از جنگی تمام‌عیار محسوب می‌شد که عامل ایدئولوژیکی بسیار قوی در آن نقش داشت. این جنگ یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌های قرن ۲۰ بود. به اعتقاد بخاش، عراق در پاسخ به تحریکات ایران و به دنبال توسعه نقش و نفوذ خود در خلیج فارس، جنگ را با این تصور آغاز کرد که به جنگی کوتاه و پیروزمندانه علیه همسایه انقلابی خود دست می‌زند، اما به زودی مشخص شد که این محاسبه بسیار اشتباه بوده است؛ چون ایرانی‌ها توانستند خود را سامان‌دهی کرده و دشمن را در سال ۱۹۸۲ از خاک خود بیرون برانند. پس از آن، جنگ به بن‌بستی خونین میان ایران و عراق تبدیل شد که در مجموع، حدود ۴۰۰۰۰۰ کشته و ۷۰۰ هزار مجروح بر جای گذاشت. در طول جنگ، البته نقش قدرت‌های بزرگ و به خصوص آمریکا و شوروی بسیار چشمگیر بود که هر دو به عراق کمک

1. George Mason University

تجربه ای تلخ بود که نسل جنگ را با چالشی برای انتقال تجربه و برآورد جنگ به نسل بعدی مواجه کرده است. از سوی دیگر، میراث جنگ تنها محدود به این چالش نیست، بلکه جناح بندی های سیاسی بعدی نیز از آن متأثر شده است. در ایران، ریشه تمایز بین اصلاح طلبان و محافظه کاران، به جنگ نیز بر می گردد. در مقابل، در عراق، تازمانی که لزوم دفاع در مقابل ایران مطرح نبود، هیچ اجماعی در مورد علت جنگ وجود نداشت؛ اما با توجه به شرایط پس از جنگ، باید گفت که به خصوص، به دلیل نوع حکومت صدام، مردم این کشور پس از پایان جنگ با ایران، حتی با شرایط دشوارتری مواجه شدند.

**بررسی ادبیات موجود
نشان می دهد حضور ایران
در بررسی تاریخ جنگ
به زبان انگلیسی، در حد
نویسندگان مستقل و
غیر رسمی است**

از بعد امکان تغییر نقشه سیاسی منطقه، هر چند عراق در تجزیه مناطق عرب نشین ایران موفق نبود، اما تمامیت ارضی عراق، البته در کنار عوامل دیگر، بر اثر جنگ، در مقابل چالشی جدی قرار گرفت. در طول جنگ، کردهای معارض که به شدت توسط دستگاه حاکم بر

عراق سرکوب شدند، ایده تشکیل حکومت مستقل را نیز بیشتر در سر پروراندند؛ به طوری که به محض امکان تحقق این ایده، شمال عراق به موقعیت خودمختاری رسید. در عین حال، واقعیات نشان می دهد که کردها به طور کلی دو مشکل دارند: دشمنان آنها و دوستان آنها هر کدام در شرایط مختلف، به عنوان عاملی بازدارنده برای رسیدن به هدف نهایی آنها در آمده اند.

شیعیان عراق نیز که بیش از ۶۰٪ جمعیت این کشور را تشکیل می دهند، در مقابل دستگاه حکومتی صدام که عمدتاً نماینده اهل تسنن بود، هویت متمایز خود را حفظ و براساس آن، در برخی مواقع، مراجع شیعی،

کردند و در سازمان ملل نیز نسبت به این جنگ واکنش یکسانی از خود نشان دادند.

ریچارد اسکوفیلد^(۴)، استاد جغرافیا در دانشگاه لندن و بنیان گذار مجله ژئوپلیتیک (انگلیسی)، فصل دوم را با عنوان «جایگاه، نقش و سمبل اختلاف بر سر شط العرب»، به رشته تحریر درآورده است. وی با بررسی تاریخی سیر تحولات حاکمیت بر اروندرود، همراه با نگاهی به نقشه های مرزی، به تبعات استراتژیک این امر از بعد سیاسی، امنیتی و اقتصادی می پردازد. اسکوفیلد معتقد است با توجه به عدم حل نهایی مشکلات فیمابین ایران و عراق، نادیده گرفتن مجدد قرارداد ۱۹۷۵ و بروز مشکلات مرزی دیگر، امری محتمل است. موضوعی که در روابط دو کشور در سال گذشته توسط جلال طالبانی رئیس جمهور عراق مجدداً طرح شد، هر چند وی بعداً به اعتبار قرارداد مزبور اذعان کرد.

میراث جنگ، به عنوان دیگر موضوع مهم مطرح در کتاب، بسیار بیشتر از دو موضوع دیگر مورد توجه بوده است. در این رابطه، دو مقاله به قلم فریده فرهی^(۵)، استاد سیاست تطبیقی در دانشگاه های آمریکا و محقق مسایل سیاسی ایران، و فلاح جبار^(۶)، استاد و محقق مسایل فرهنگی دنیای اسلام و جهان عرب، به بررسی سرنوشت نسل جنگ در دو کشور می پردازند. مقاله م. ایزدی^(۷)، نویسنده و فعال سیاسی کرد نیز به موضوع وضعیت کردستان عراق و مقاله لیث قبه^(۸) جامعه شناس عراقی و از معارضین سیاسی فعال گروه های شیعی در تبعید مقیم اروپا در زمان حکومت صدام، به بحث شیعیان عراق اختصاص دارد که هر دو بر مسایل قومی متمرکز هستند.

در رابطه با میراث جنگ، می توان گفت هم در ایران و هم عراق، جنگ به تأکید بیشتر بر مسایل ملی و ناسیونالیستی دامن زد. در این جنگ، نه شیعیان عراقی از ایران و نه اعراب ایرانی از عراق حمایت کردند. در ایران، جنگ موجب تحکیم ثبات سیاسی و اجتماعی شد. همچنانکه در عراق نیز به ایجاد نوعی ماشین جنگی منجر شد که به عنوان بخشی از زندگی روزمره درآمده بود. در عین حال، جنگ برای هر دو کشور

منطقه ای و چشم انداز آتی آن نیز این رویکردها موجب شد میل به اشاعه سلاح های کشتار جمعی در سال های بعد در منطقه تقویت شود. در این رابطه، هیلترمن، بدون تصریح درباره ایران، می نویسد:

«وقتی کشورهای منطقه دیدند ایران در برابر حملات شیمیایی صدام بی دفاع مانده و مکانیسم های بین المللی هیچ کمک و حمایتی برای ایران ارائه ندادند، به صورت کاملاً طبیعی نتیجه گرفتند که مهمترین اصل تأمین امنیت ملی، خوداتکایی و بازدارندگی در برابر تهدیدات از طریق دستیابی به سلاح های کشتار جمعی است.»

دیگر تأثیر دراز مدت جنگ، به رابطه ایران و عراق با همسایگان و مدیریت این رابطه پس از جنگ برمی گردد. در حالی که در طول جنگ، ۶ کشور عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، در کنار صدام و بر علیه ایران موضع گرفتند و به خصوص از نظر مالی کمک های فراوانی به این کشور ارائه داده و در مجامع بین المللی حمایت سیاسی خود را همواره نثار صدام کردند، پس از جنگ، با توجه به تحولات جدید، این نوع موضع گیری ها متوقف شده و این بار، کشورهای مزبور بر علیه عراق با آمریکا متحد شدند. در واقع، در حالی که آرزوی صدام برای کسب یک پیروزی جبران کننده شکست در جنگ با ایران، در تحقق میل حمله به کویت متجلی شد، بقیه کشورهای عربی منطقه، با احساس تهدید صدام، در روابط خود با وی تجدید نظر کردند. این کشورها حتی، به تدریج، به سوی ایران که تهدیدی برای آنها محسوب نمی شد، متمایل شدند و بعضاً قراردادهای امنیتی با ایران منعقد کردند. در این رابطه، به خصوص توافقات امنیتی ایران با عربستان سعودی در سال ۲۰۰۱ و با کویت در سال ۲۰۰۲ قابل توجه است. موضوع مزبور، یعنی رابطه ایران و عراق با دولت های خلیج فارس و تغییر تداوم در روابط آنها، عنوان مقاله ای است که جرد نونمان^(۱)، استاد روابط بین الملل و مطالعات خاورمیانه در دانشگاه لنکستر، به رشته تحریر در آورده است.

آخرین مقاله کتاب نیز به قلم رزماری هالیس^(۲) نوشته شده است. وی که مدیر تحقیقات خاورمیانه ای

البته به صورتی غیرسازمان یافته به معارضه با صدام برخاستند. به طور کلی، مذهب و قومیت، می تواند به راحتی عراق را به سوی قطبی شدن سوق دهد. در رابطه ایران و عراق نیز مسئله رهبری مذهبی تشیع، به طور بالقوه، موضوع رقابت محسوب می گردد. سه مقاله بعدی کتاب، آثار دراز مدت و چشم انداز آتی را مورد بحث قرار داده اند.

یوست هیلترمن^(۳)، مدیر خاورمیانه ای گروه مطالعات بحران، در مقاله ای موشکافانه، ضمن بررسی روند کاربرد سلاح های شیمیایی توسط عراق علیه ایران، همچنانکه از عنوان مقاله پیداست، چنین نتیجه گیری می کند که در این جنگ، سکوت خارجی هموارکننده مسیر کاربرد فزاینده سلاح های شیمیایی توسط عراق علیه ایران و حتی شهروندان عراقی بود. به عبارت دیگر، کشورهای خارجی و به خصوص قدرت های خارجی و سازمان ملل، با برخورد انفعالی خود، صدام را در کساربرد سلاح شیمیایی جری تر

ساختند؛ زیرا به رغم اعزام چندین هیأت بازرسی سازمان ملل به ایران و تأییدیه گروه های حقیقت یاب در مورد کاربرد این سلاح ها، شورای امنیت نه تنها عراق را محکوم نکرد، بلکه در عباراتی مبهم «از طرفین خواست تا از کاربرد سلاح های شیمیایی خودداری کنند». عباراتی که برای دو طرف، تعهد یکسانی را مشخص می کرد و توجه نداشت که ایران نقشی در کاربرد سلاح های شیمیایی ندارد. به هر حال، در اثر حملات شیمیایی عراق، هزاران نظامی و غیرنظامی جان خود را از دست دادند و یا به دلیل مصدومیت های شیمیایی خود و خانواده شان، با آثار و عوارض ناشی از این مصدومیت دست به گریبان شدند. از بعد امنیت

سئوالبخاش:

جنگ ایران و عراق، کشمکش
در ادامه اختلافات دو کشور
نبود، بلکه نوع جدیدی از
جنگی تمام عیار محسوب
می شد که عامل ایدئولوژیکی
بسیار قوی در آن نقش داشت

زیادی به اطلاعات دقیق نویسندگان و دیدگاه خلاق آنها در مورد مسایل منطقه ای برمی گردد.»
 نیک کی کدی، استاد معروف تاریخ خاورمیانه نیز می نویسد:

«مجموعه مقالات با ارزش حاضر، با دیدگاه عالمانه، پرتو جدیدی به مشکلات کنونی منطقه خلیج فارس می اندازد که ریشه در جنگ ایران و عراق دارد و حقایقی را در مورد شیعیان و اکراد عراقی، کاربرد سلاح های شیمیایی و نقش آمریکا در منطقه افشا می نماید. اگر دولت آمریکا به موقع نسبت به این حقایق آگاه بود، می شد از بروز حوادث خونین کنونی در خلیج فارس و عراق جلوگیری کرد و آمریکا نه تنها دچار اشتباه نمی شد، بلکه می توانست سیاستی موفق را اتخاذ نماید.»

در مجموع می توان گفت کتاب حاضر اثر تحقیقی ارزشمندی است و درباره حادثه ای که ملت ما مستقیماً با آن درگیر بوده و از نتایج آن متأثر گردیده است، اطلاعات مناسب و درخور توجه، همراه با منابع علمی گسترده ارائه می دهد.

یادداشت ها

۱. برای اطلاع از دیگر آثار او. ک:

Co edited With Lawrence Potter, Co edited With Gary Sick, *The Persian Gulf at the Millennium*, (St. Martin's Press, 1997); and also *Security in the Persian Gulf; Origins, Obstacles and Search for Consensus* (New York: Palgrave, 2002).

۲. برای اطلاع از دیگر آثار او. ک:

Co edited With Gary Sick, *The Persian Gulf at the Millennium*, (St. Martin's Press, 1997); and also *Security in the Persian Gulf; Origins, Obstacles and Search for Consensus* (New York: Palgrave, 2002); "The Evolution of the Iran-Iraq Boundary" in *The Creation of Iraq, 1914-1921*, ed. Reeva Spector Simon and Eleanor Tejjirian (New York: Colombia University Press, 2000).

۳. برای اطلاع از دیگر آثار او. ک:

Shaul Bakhash, *Reign of Ayatollah: Iran and the Islamic*

مؤسسه سلطنتی امور بین الملل (Chattam House) می باشد، در مقاله خود به نقش آمریکا در تحولات پس از جنگ می پردازد و اینکه آیا این نقش برای امنیت منطقه ای، مفید است یا مضر؟ از دیدگاه وی، پذیرش ایفای نقش ایران یا عراق در نظام امنیت منطقه ای، تا حدود زیادی به روند روابط ایران و آمریکا بستگی خواهد داشت. به عبارت دیگر، هر قدر تنش در روابط دو کشور افزایش بیابد، امکان تحمل نقش امنیت منطقه ای ایران توسط آمریکا کمتر خواهد شد و بالعکس. از نظر وی، بدیهی است مصالحه در عراق و توافق برای بازسازی آن، نه تنها به بهبود روابط ایران و آمریکا، بلکه روابط تمام کشورهای منطقه و به خصوص همسایگان عراق می انجامد.

ارزیابی کتاب

بجز برخی دیدگاه ها و ارزشگذاری ها، مثل نحوه و زمان دخالت آمریکا در جنگ که در کتاب به سال ۱۹۸۷ (یک سال به آخر جنگ) قید می شود و البته آنها تأثیر چندانی نیز در نتیجه گیری نهایی ندارند، این کتاب، اثر تحقیقی با انسجام منطقی و تحلیل هایی تقریباً بی طرفانه است که اطلاعات مفید و به روز، همراه با ایده هایی به منظور بهبود اوضاع پس از جنگ ایران و عراق در اختیار خواننده قرار می دهد.

بر این اساس، کتاب مورد توجه محافل علمی و تحقیقاتی مختلف قرار گرفته است. در این زمینه، به عنوان مثال، می توان به یادداشت دو تن از اساتید صاحب نظر در خصوص تحولات منطقه ای اشاره کرد. جیمز بیل، نویسنده کتاب شیر و عقاب: تراژدی روابط ایران و آمریکا^(۱)، می نویسد:

«برخلاف مداخله پرهزینه آمریکا در خلیج فارس، اطلاعات ما از نتیجه سیاست آمریکا در این منطقه بسیار ناقص است. این کتاب کمک بسیار مهمی برای پر کردن این خلاء اطلاعاتی است. برخلاف بسیاری از کتاب ها و مجموعه مقالات، که تنها نوشته هایی غیرمرتبط به هم را در کنار یکدیگر چاپ می کنند، کتاب حاضر با دقت خاص به موضوعاتی کاملاً مرتبط همراه با تحلیل هایی قوی می پردازد. این امر تا حدود

1. Nikki Keddie

Communities in the New Europe (Ithaca, 1997)
Development, Aid and Administration in the Middle East
(Rutledge, 1998); Analyzing Middle Eastern Foreign
Policies (Rutledgecurzon, 2004).

۱۲. برای اطلاع از دیگر آثار او. ک:

Rosemary Hollis, "The End of Historical Attachments:
Britain's Changing Policy towards the Middle East" in
Dodge and Richad Higgot (ed.s) Globalization and the
Middle East: Islam, Economy, Society and Politics (Toby
(London: RIIA, 2002).

13. James Bill, The Eagle and the Lion : Tragedy of
American - Iranian Relations.

Revolution; Iran, Monarchy, Bureaucracy and Reform
under the Qajars, 1846-1896.

۵. برای اطلاع از دیگر آثار او. ک:

Richard Schofield, The Evolution of the Shatt al-Arab
Disput (Menas Press, 1996); Kuwait and Iraq Historical
Claims and Territorial Disputes (Royal Institute of
International Affairs, 1991, second ed. 1993); Unfinished
Business: Iran and the UAE, Abu Musa and the Tunbs;
The Iran - Iraq Border, 1840 - 1958 (Archive Editions,
1989) and Territorial Foundations of the Gulf States (UCL
Press, St. Martin's Press, 1994).

۶. برای اطلاع از دیگر آثار او. ک:

Farideh Farhi, States and Urban- Based Revolutions in
Iran and Nicaragua (University of Illinois, 1990).

۷. برای اطلاع از دیگر آثار او. ک:

Feleh Jabbar, Post-Marxism and the Middle East (Saqi
Books, 1998); Tribes and Powers: Ethnicity and
Nationalism in the Middle Eas (Saqi Books, 2000);
Ayatollahs, Sufis and Ideologies:

۸. برای اطلاع از دیگر آثار او. ک:

M. R. Izady, The Kurds: A Concise Handbook (Second
Edition, 2000); The Shafnameh, Translation (Mazda
Publishers, 2002).

9. Laith Kubba, State, Religion and Social Movements in
Iraq (Saqi Books, 2002); The Shi'ite Movement in Iraq
(Saqi Books, 2003).

۱۰. برای اطلاع از دیگر آثار او. ک:

Joost Hilterman, Behind the Intifada: Labor and Women's
Movements in the Israeli-Occupied Territories (Princeton
University Press, 1991); Poisonous Affairs, The US-Iraq
Relations and Gassing Halabje (2007)

۱۱. برای اطلاع از دیگر آثار او. ک:

Gerd Nonneman, War and Peace in the Gulf (Ithaca,
1991); The Middle East and Europe: The Search for
Stability and Integration (Federal Trust, 1993); Political
and Economic Liberalization: Dynamics and Linkages in
Comparative Perspective (lynne Riner, 1996) Muslim